امتیاز فتوای فقهاء با روایات در کتب فقهی

شاگرد: این فرمایش شما دیگر ارتباطی به فضای استقامت و عدم استقامت ندارد. مخصوصاً مثل کتاب الاتکلیف. آن کتاب بوده و در دست مردم بوده و مورد اعتماد بوده، حالا دغدغه مردم این بوده حالا که او آدم ملعونی شده کتابش را چه کار کنیم؟ اینکه شما می‌فرمایید برای زمان استقامتش هم بوده است. همچنین ادعای آن‌هاست که فتوای آن‌ها عبارت روایت بوده است.

استاد: اصلاً اینطور بوده است؛ امام به ابان چه فرمودند؟ فرمودند: «أحبّ أن تجلس فی مسجد الکوفة و تُفتی». واقعاً این جور بود که بزرگان اصحاب ائمه افتاء می‌کردند. نظر می‌دادند و شیعه به آن‌ها مراجعه می‌کردند. ولذا الآن خود این نقل شاهد بر این است که از شرائط مفتی و مقلّد، عدالت و اثنی عشری بودن است. الآن چرا شما می‌گویید اجماع اصحاب این است که مرجع تقلید باید اثنی عشری باشد؟! در رساله‌ها هست. بگوییم حالا اثنی عشری بود ولی اگر خارج شد چه؟! خب آن وقتی که نوشت عالم بود، اعلم بود، حالا مرتد شده! می‌گویید: نه، وقتی از اثنی عشری بیرون شد، دیگر شرط بالفعل مقلّد بودن را ندارد. این‌ها می‌گویند قبلاً تا به راه بود، فتوایش برای عموم شیعه حجت بود. خانه‌هایشان هم پر بود و عمل می‌کردند. الآن دیگر شیعه نمی‌توانند از کسی تقلید کنند که از تشیع بیرون رفته. لذا فرمودند «ذروا ما رأووا»؛ قبلاً فتوای او برای شما حجیت داشت ولی حالا ندارد.

شاگرد: شیخ در مقدمه مبسوط دارد که اساساً طعن می‌دانستند که کسی فتوای خودش را بنویسد. گوئی وقتی مرحوم شیخ می‌نویسد دستش می‌لرزد که من می‌خواهم فتوا بنویسم. در اصول متلقات هم همینطور بوده است. درست است که سنن نمی آوردند ولی مطالبی که می‌نوشتند همه متن فتوا بوده است. لذا مرحوم آقای بروجردی دارند اگر فتوایی در این کتب مشهور بشود، ما با آن معامله روایت مشهور می‌کنیم. لذا وقتی کتاب تکلیف را به حسین بن روح می‌دهند می‌گویند همه اش به‌غیر از این سه تا درست است. نمی‌گویید فتوایش در شریعت نیست. ثانیاً فضای تقلیدی که الآن هست، در آن زمان مئونه سنگینی دارد. لذا ظاهراً مشکل مطالب بوده و این دغدغه برای بعد از زمان گمراهی آن‌ها بوده که مخلوط می شده است.

استاد: فرمایش شما موضوع روایت را نفی کرد. شما می‌گوید دستشان می‌لرزید. خب چرا امام می‌فرمایند «ذروا ما رأووا». اگر دستشان می‌لرزید و رأیی نبود، نباید می‌گفتند «ذروا». معلوم می‌شود اتفاقا خانه‌هایی که از این کتب پر بود، در آن‌ها رأی‌هایی داده بودند. رأی‌ها بوده، دستشان نلرزیده بود. نکته مهمتر این است که شما در تمایز رأی از روایت چه می‌فرمایید؟ چرا نفرمودند دست نگه دارید تا علماء به شما نشان بدهند؟! بالفعل محل نیازشان بوده است. «بیوتات» دارد. شیعه آمده بودند. آیا «بیوتات» یعنی بیوت فقهاء؟! فقیه که مشکلی نداشته است.

شاگرد: این فرمایش شما اساساً ارتباطی به عدم استقامت آن‌ها ندارد، اصلاً نباید این‌ها پر می شده است. یعنی آیا این‌ها یک غفلتی داشتند و اصلاً حواسشان به این نبوده که ما این فتوا را نباید گوش بدهیم، وقتی اینطور شده این حرف آمده است؟ من فرمایش جناب شیخ را هم شاهد مهمی می‌دانم. گاهی رایشان این بود و نسبت می‌دادند. می‌گفتند حرف زراره است و سائل که کنجکاوی می‌کرده می گفته «هذا مما رزقنی الله من الرای» بوده است. امارات باب تعادل و تراجیح

ار هم فرمودی ام آن‌ها را تمیزی حجت از لاحجت می‌دانیم. اماراتی که فرمودند بروی ببینی مشهور چه می‌گوی و .... طبیعتاً نیاز به مراجعه به خبرویت هست.

بازبینی #3
ایجاد شده 5 اژونیه 2026 15:52:34 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 مارس 2026 15:00:40 توسط ... .